

« فراسوی مدیریت »

سال دوم _ شماره ۸ _ بهار ۱۳۸۸

ص ص ۱۴۰ - ۱۱۹

سیاست مدیریتی و ویژگی مدیران در نهج البلاغه

دکتر محمدعلی ربی پور^۱

منوچهر صمدی وند^۲

چکیده

هدف اصلی مقاله حاضر بررسی سیاست مدیریت و ویژگی مدیران در اسلام است. مسأله مدیریت و رهبری مدیران از دیدگاه منابع معتبر اسلامی و آموزه‌های دینی، شرایط و اصولی دارد که مدیران را در امر مدیریت برای رسیدن به اهداف مدیریتی سازمان‌ها یاری می‌کند، در این میان نهج البلاغه که از متون معتبر اسلامی در زمینه‌های مختلف، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و ... می‌باشد به شناسایی شیوه‌های مدیریتی مدیران در سطوح مختلف جامه می‌پردازد؛ این مقاله که متأثر از دیدگاه امیر مؤمنان علی (ع) در مورد مدیریت می‌باشد به بررسی صفات مدیران و تعامل آنها با مردم و همکاران پرداخته و مهمترین ویژگی مدیریتی از جمله تقوی، عدالت اجتماعی، وفاداری، سعه صدر، شایستگی مدیریتی و ... را از دیدگاه نهج البلاغه بیان می‌دارد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت، مدیر، ویژگی، نهج البلاغه

^۱ - استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز (Rabbipoor@iaut.ac.ir)

^۲ - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

مقدمه

در دنیای امروزی که علوم و تکنولوژی پیشرفت چشم گیری داشته است و سازمانهای بزرگ تولیدی و صنعتی پا به عرصه وجود گذاشته اند؛ در جهان امروزی با همه ی پیشرفت های روزافزون تمدن بشری، شاهد بی عدالتی های اجتماعی، مدیریتی در عرصه های مختلف آن هستیم و با توجه به تحولات پیچیده و جهشی که در زندگی اجتماعی بشر رخ می نماید، مدیریت به چنین مجموعه ی پیچیده ی بشری امری، سخت و طاقت فرساست و سبب شده است تا مدیریت به امری پیچیده و فنی تبدیل گردد.

در یک سازمان مدیر را از افراد دیگر متمایز می سازد میزان تأثیر گذاری او بر کارکنان به منظور انجام وظایف و دستیابی به اهداف مطلوب آن سازمان است. بنابراین مهمترین مسئله در سیاست های مدیریتی، چگونگی اداره ی مجموعه ی عظیم انسانی است.

یکی از ضروریات نفوذ بر دیگران همسویی گفتار و رفتار است. این موضوع در بحث ارزشهای دینی و فرهنگی به دقت نظر بیشتری نیاز دارد؛ چرا که حرمت باورها و ارزشها، تنها با عمل به آنها حفظ می شود. بنابراین لازم است با فقه پویای اسلامی و با استفاده از کتاب و سنت و... مدیریت سالم و نظام مند اسلامی ارائه شود.

مقاله ی حاضر به بررسی این مقوله ی مهم از منظر نهج البلاغه می پردازد. پیش از آنکه وارد بحث مدیریت شویم، لازم است به ذکر تعریف های آن از دیدگاه مختصصین امر بپردازیم تا زمینه ای برای روشن شدن بحثهای آتی باشد.

تعریف مدیریت

به نظر برخی، صاحب نظران مدیریتی تعاریف مختلف و متفاوتی از مدیریت دارند که به ذکر برخی از آن پرداخته آنگاه تعریفی جامع از آن استنتاج می شود. مدیریت عبارت است از فرایند اجتماعی، برنامه ریزی، سازمان دهی، کارگزینی،

هدایت، هماهنگی و کنترل در راستای تعیین و فایق شدن به اهداف سازمانی در یک محیط پویا (رضائی نژاد، ۱۳۷۵، ۳۲۸).

مدیریت را می‌توان علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن و رهبری و کنترل فعالیت‌های گروهی به منظور حصول به هدف یا هدفهای مشترک خاص تعریف کرد (ایرانزاده، ۱۳۷۸، ۹).

مدیریت یعنی تصمیم‌گیری و این وظیفه مهمترین و اصلی‌ترین نقش مدیریت است (رضائی نژاد، ۱۳۷۵، ۳۰۷).

شاید بتوان گفت از مجموع تعاریف مربوط به مدیریت، تعریف زیر کلی و قابل قبول باشد:

مدیریت عبارت از جهت‌دهی به تلاشهای افراد همکار در یک سازمان و ایجاد هماهنگی بین این تلاشها، به منظور تحقق هدفهای سازمانی است که ضمن استفاده صحیح از منابع خدادادی و استعدادهای فطری انسانی افراد سازمان، در راه تعالی انسانی آنان نیز کوشش هماهنگی صورت می‌گیرد.

چنانکه ملاحظه می‌شود در مدیریت قابل قبول با توجه به ارزشهای اسلامی تنها به تولید و کارآیی افراد توجه نمی‌شود بلکه رشد معنوی و تعالی انسانی افراد در سازمان اداری و موسسات تولیدی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

ویژگیهای مدیر از منظر نهج البلاغه

مدیریت وسیله‌ای برای رسیدن به خواسته‌های شخصی نیست، مدیر اسلامی نباید مسند مدیریت را وسیله‌ی نردبان افتخار در جهت امیال شخصی و نفسانی خود قرار دهد؛ زیرا اسلام چنین مدیرانی را مورد سرزنش و انتقاد قرار می‌دهد: چنان که امام علی (ع) در نامه‌ای به اشعث بن قیس فرماندار خود در آذربایجان می‌نویسد: «مدیریت و حکمرانی برای تو وسیله‌ی آب و نان نیست بلکه امانتی در دست توست و تو از سوی مافوق خود تحت مراقبت هستی.» (نهج البلاغه، نامه ۵، ۴۸۴) تعبیر بالا، بیانگر دیدگاه اسلام درباره‌ی پست‌ها و منصب‌های حکومتی است. از

دیدگاه اسلام رئیس حکومت، وزراء استانداران و فرمانداران تنها امانت‌دارانی هستند که امانت‌داری جامعه اسلامی از سوی خداوند به آنها سپرده شده و نباید آن را وسیله‌ی برتری‌جویی و تحصیل منافع شخصی کنند. بلکه باید مانند هر امینی از آن امانت مراقبت به عمل آورده و سالم به دست اهانش بسپارند.

در اسلام مدیریت یک تکلیف است، نه حق؛ یعنی مدیران پرورش یافته در مکتب آسمانی اسلام، خدمت در منصب مدیریت را انجام تکلیف شرعی می‌دانند. و معتقدند که مدیریت یک وظیفه است نه وسیله‌ی سودجویی، مدیریت خدمت به مردم و جامعه‌ی بشری است نه حکومت بر آنها.

در معارف اسلامی مدیر هرگز مدیریت را برای حاکمیت خویش نمی‌خواهد؛ زیرا در چنین صورتی او حاکم است نه خادم و خدمتگزار.

مدیریت قبل از اینکه ریاست باشد خدمتگزاری است. چنانکه علی (ع) می‌فرماید: «به خدا سوگند! همین کفش بی‌ارزش برای من، از حکومت بر شما محبوب‌تر است. مگر اینکه با این حکومت حقی را به پا دارم یا باطلی را دفع کنم. (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۳، ۸۴) بنابراین در اسلام مدیریت، بیشتر هدایت کردن است تا قدرت نمایی.

در ارتباط با چنین طرز تلقی از مدیریت، افرادی که عهده‌دار چنین وظایف و مسئولیتهایی می‌شوند باید دارای ویژگیهایی باشند تا بتوانند گرایش دل‌های همکاران و دیگر افراد را نسبت به هدفهای موسسه و سازمان مدیریتی خود از این طریق تأمین نمایند. با توجه به اهمیت موضوع به پاره‌ای از این صفات و ویژگیها اشاره می‌شود:

۱ - ایمان به خداوند متعال

با توجه به معیارهای اسلامی نخستین و اساسی‌ترین ویژگی برای مدیر، ایمان قلبی و عملی او به خداوند متعال است. زیرا معیار گرایش دل‌های مردم به یک نظام

حکومتی، ایمان و عمل صالح مسئولان آن نظام و کارگزاران آن حکومت است. خداوند تنها در پرتو اعتقاد صحیح دولتمردان و رفتار شایسته‌ی خدمتگزاران محبت مردمی را پشتوانه‌ی آنان قرار می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۶۴، ۱).

۲- تقوی

یکی دیگر از صفات لازم برای مدیر اسلامی، داشتن تقوی است؛ علی (ع) درباره تقوی می‌فرماید: «تقوی در رأس همه‌ی ارزشهای اخلاقی است.» (نهج-البلاغه، حکمت، ۴۱۰، ۷۲۶) در جای دیگر نیز می‌فرماید: «هیچ کاری با تقوی اندک نیست و چگونه اندک است آنچه پذیرفته می‌شود؟» (همان، حکمت، ۹۵، ۶۴۴) مدیر با تقوی همواره خود را در معرض بازخواست خدا می‌بیند و تمام اعمال خود را مطابق با موازین و ارزشهای الهی تنظیم می‌کند.

۳- وفای به عهد

از خصایص دیگر یک مدیر مسلمان وفای به عهد و پیمانهایی است که متعهد به انجام آن می‌شود که در غیر این صورت ارزش و اعتبار او در محیط سازمانی خدشه‌دار شده و موجب بی‌اعتمادی همکاران نسبت به او می‌گردد. حضرت علی (ع) در فرمان مشهور خود به مالک اشتر می‌فرماید: «ای مالک به وعده‌ای که به مردم می‌دهی وفا کن! همانطور که خداوند می‌فرماید: وفا نکردن به عهد، سبب خشم او و مردم می‌گردد (همان، نامه ۵۳، ۵۶۴) ادامه‌ی این نامه امام (ع) به مالک اشتر می‌نویسد: «اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید، یا در پناه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفادار باش، و بر آنچه بر عهده گرفتی امانت‌دار باش، و جان خود را سپر پیمان خود گردان، زیرا هیچ یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست. که همه مردم جهان با تمام اختلافاتی که در افکار و تمایلات دارند، در آن اتفاق نظر داشته باشند تا آنجا که مشرکین زمان جاهلیت به عهد و پیمانی که با مسلمانان داشتند وفادار بودند، زیرا آینده ناگوار پیمان‌شکنی را آزمودند. پس

هرگز پیمان شکن مباش، و در عهد خود خیانت مکن و دشمن را فریب مده، زیرا کسی جز نادان بدکار، بر خدا گستاخی روا نمی‌دارد، خداوند عهد و پیمانی که با نام او شکل می‌گیرد با رحمت خود مایه‌ی آسایش بندگان و پناهگاه امنی برای پناه آورندگان قرار داده است تا همگان به حریم امن آن روی بیاورند. پس فساد خیانت، فریب، در عهد و پیمان راه ندارد.» (همان منبع، نامه ۵۳، ۵۶۴).

۴ - صداقت

مدیر اسلامی، فردی صادق در برابر همکاران و مراجعان است؛ که تجلی عینی او صداقت در رفتار، صداقت در گفتار و صداقت در کاربرد قوانین و مقررات است که برای اجرای آنها مأموریت یافته است.

امام علی (ع) می‌فرماید: ارزش انسان به اندازه‌ی همت اوست و راستگویی و صداقت او به میزان جوانمردی‌اش، و شجاعت او به قدر ننگی است که احساس می‌کند و پاکدامنی او به اندازه‌ی غیرت اوست (نهج‌البلاغه، حکمت، ۴۷، ۶۳۴).

۵ - اعتدال داشتن

یکی دیگر از ویژگی‌های مدیر، رعایت اعتدال و پرهیز از هر گونه افراط و تفریط است. امام علی (ع) در نامه به یکی از فرمانداران خود به نامه عمر بن ابی سلمه ارجبی که در فارس ایران حکومت می‌کرد می‌نویسد: «دهقانان مرکز فرمانداریت از خشونت و قساوت و تحقیر کردن مردم و سنگدلی تو شکایت کردند من درباره آنان اندیشیدم، نه آنان را شایسته نزدیک شدن یافتم، زیرا که مشرکند و نه سزاوار در قساوت و بدرفتاری هستند؛ زیرا که با ما هم پیمانند. پس در رفتار با آنان نرمی و درشتی را در هم آمیز، رفتاری توأم با شدت و نرمش داشته باشد. اعتدال و میانروی را در نزدیک کردن و دور کردن رعایت کن (همان منبع، نامه ۱۹، ۴۹۸).

۶- ساده‌زیستی

مدیر اسلامی، ساده و بی‌تکلف است. زندگی خود را ساده و بی‌تشریفات برگزار می‌نماید. از شرکت در مهمانی‌های آنچنانی خودداری می‌کند. امام علی (ع) در سفارشات خود به عثمان بن حنیف انصاری می‌فرماید: «به من خبر رسیده است که مردی از سرمایه‌داران بصره تو را به مهمانی فرا خوانده و تو به سرعت به سوی آن شتافتی. خوردنی‌های رنگارنگ برای تو آوردند و کاسه‌های پر از غذا پی‌درپی جلوی تو نهادند. گمان نمی‌کردم: مهمانی مردی را بپذیری که نیازمندانش با ستم محروم شده و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده‌اند. اندیشه کن. در کجایی؟ و بر سر کدام سفره می‌خوری؟ پس آن غذایی که حلال و حرام بودنش را نمی‌دانی دور بیفکن و آنچه را که با پاکیزگی و حلال بودنش یقین داری مصرف کن (نهج-البلاغه، نامه ۴۵، ۵۵۲).

آگاه باش! هر پیروی را رهبری است که از او پیروی می‌کند و از نور دانشش روشنی می‌گیرد. آگاه باش! امام شما از دنیای خود به دو جامه‌ی فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است. بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید؛ اما با پرهیزگاری، تلاش فراوان، پاکدامنی و راستی مرا یاری دهید! سوگند به خدا من از دنیای شما طلا و نقره‌ای نیندوخته، و از غنیمت‌های آن چیزی ذخیره نکرده‌ام، بر دو جامه‌ی کهنه‌ام، جامه‌ای نیفزودم، و از زمین دنیا حتی یک وجب در اختیار نگرفتم و دنیای شما در چشم من از دانه‌ی تلخ درخت بلوط ناچیزتر است! (همان منبع، نامه ۴۵، ۵۵۲).

۷- عفو و گذشت

یکی دیگر از ویژگی‌های مدیر اسلامی عفو و گذشت خطای همکاران و سایر افراد مرتبط با او است علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر می‌فرماید: «ای مالک مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا،

چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت شماری، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته‌ی دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند. اگر گناهی از آنان سرزند یا علت‌هایی بر آنان عارض شود، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر، آن گونه که دوست‌داری خدا تو را ببخشد و بر تو آسان گیرد (همان، نامه ۵۳، ۵۶۴). چنانکه خداوند متعال در قرآن کریم به رسول اعظم خود می‌فرماید: «عفو و بخشش را پیشه خود ساز و به نیکی فرمان ده و از نادانان دوری نما!» (اعراف / ۱۹۹).

۸- سعی و تلاش

مدیر مسلمان همواره در کارهایش جدی است و در جهت تحقق اهداف سازمانی و رشد و تعالی افراد سازمان از هیچ کوششی دریغ نمی‌کند و برای انجام کارهای مردم زمان نمی‌شناسد و خود را در مجموعه ساعات مقرر اداری محبوس نمی‌کند بلکه از هر فرصتی برای حل مشکلات استفاده می‌نماید علی (ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «ای مالک با تمام وسایلی که در اختیار داری و با منتهای نیرویی که در جان توست به جلب رضایت عموم و خشنودی جامعه بکوش.» (همان منبع، نامه ۵۳، ۵۶۴).

۹- اخلاق پسندیده

از صفات دیگر مدیر اسلامی دارا بودن به اخلاق نیکو است امام علی (ع) خطاب به محمد بن ابی‌بکر می‌فرماید: «ای پسر ابی‌بکر با مردم مهربان و ملایم باش و همواره دیدار کنندگان را با قیافه باز و لبان خندان دیدار کن.» (همان منبع، نامه ۲۷، ۵۰۸).

مدیری که دارای حسن خلق است در سازمان غیررسمی محیط فعالیت خود نیز سمت رهبری گروهی را بر خود اختصاص می‌دهد و در نتیجه موجب افزایش کارایی افراد در سازمان می‌شود.

۱۰- دلسوزی و مهربانی

مدیر اسلامی همانند پدری برای افراد همکار خویش است و افرادی که به هر دلیل برای انجام امور مربوط به خود به مدیر مسلمان مراجعه می‌نمایند باید با عطوفتی اسلامی مواجه باشند. علی (ع) در این باره به مالک اشتر می‌فرماید: «تو باید در دلت مهر رعیت را پرورش دهی و مهربانی و خوشرفتاری و نیکویی با رعیت را در دل خود جای‌گزین سازی.» (همان منبع، نامه ۵۳، ۵۶۴).

۱۱- عدالت و دادگستری

از مسائل بسیار مهمی که یک مدیر مسلمان باید به آن توجه نماید و این ویژگی مهم را دارا باشد داشتن صفت عدالت و دادگستری است. بی‌عدالتی آفت ارتباطات اداری در محیط سازمانی است و هیچ مسئله‌ای به اندازه‌ای بی‌عدالتی در ایجاد بی‌نظمی در نظام اداری موثر نیست در این خصوص امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «ای مالک انصاف و عدالت سرلوحه برنامه حکومت است تو که با خانواده و عشیره خود به مصر می‌روی ممکن است بعضی از مصریان را پیش از دیگران دوست بداری هرگز در قضاوت و داوری اینگونه تعلقات را مراعات مکن.» (همان منبع، نامه ۵۳، ۵۶۴).

۱۳- وابستگی به خاندان‌های شایسته و صالح

یکی دیگر از ویژگی‌های مدیر اسلامی اصالت، نجابت و وابسته بودن به خاندان‌های صالح و با تقواست. امام علی (ع) در نامه معروف خود به مالک اشتر در این زمینه می‌نویسد: در امور کارمندانت بیندیش، و پس از آزمایش بر کارشان بگمار و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران آنان را به کارهای مختلف وادار نکن. زیرا نوعی ستمگری و خیانت است. کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و با حیا از خاندانهای پاکیزه و با تقوی که در مسلمانی سابقه درخشانی

دارند انتخاب کن زیرا اخلاق آنان گرامی تر، و آبرویشان محفوظ تر، و طمع ورزی - شان کمتر و آینده نگری آنان بیشتر است (همان منبع، نامه ۵۳، ۵۶۴).

۱۴ - عالم بودن به مسائل تحت مسئولیت (تخصص)

این ویژگی نیز به نوبه خود دارای ارزش و اعتبار در جایگزینی مدیران در مشاغل مربوط به مدیریت است که مفهوم آن میزان دانش لازم فرد در ارتباط با مسئولیت مورد تصدی است. پیامبر اکرم (ص) در این باره می فرمایند: من عمل علی غیر لم کان ما یفسد اکثر مما یصلح هر کس بدون آگاهی کاری را انجام دهد فساد آن بیشتر از اصلاح آن خواهد شد (کلینی، ۱۳۶۵، ۵۵).

۱۵ - داشتن تجربه لازم

یکی از ارکان پذیرش مسئولیت‌های مربوط به اداره امور تجربه است. این ویژگی معمولاً با ممارست فرد و استمرار تماس آگاهانه او با تفکر و تعقل نسبت به موقعیت و وظایف شغلی به دست می آید امام علی (ع) در اهمیت و لزوم توجه به تجربه در سپردن مسئولیت به افراد می فرماید: و توخ منهم اهل التجربة. یعنی کارگزاران را از اهل تجربه انتخاب کنی (همان منبع، نامه ۵۳، ۵۶۴).

۱۶ - توانایی اداره امور

ممکن است یک فرد دارای اخلاق اسلامی باشد و دانش و تخصص لازم را نیز داشته باشد اما به دلایلی قدرت و توانایی اداره امور را نداشته باشد این مسأله یکی از اساسی‌ترین ویژگیهای یک مدیر است که باید در انتصاب و انتخاب اشخاص مورد توجه و دقت قرار گیرد.

علی (ع) در این باره می فرماید: ای مردم! سزاوارترین اشخاص به خلاقیت آن کسی است که در تحقق حکومت نیرومندتر و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد. تا اگر آشوب‌گری به فتنه‌انگیزی برخیزد، به حق بازگردانده شود، و اگر سرباز زد با او مبارزه شود (همان منبع، خطبه ۱۷۳، ۳۲۶).

ضوابط و معیارهای اسلامی در مدیریت

صاحب نظران علم مدیریت معتقدند که مدیریت دارای چارچوبها و معیارهایی است که مدیر باید در محدوده آنها رفتار کند و نمی تواند برای پیشبرد اهدافش از آن محدوده خارج شود از جمله آن ضوابط می توان به مواردی که ذیلاً می آید اشاره نمود.

۱- مدیریت اصل شخص مناسب برای مقام مناسب

یکی از اصولی که در نظام اجتماعی اسلام باید به آن توجه نمود اصل شخص مناسب برای پست و منصب مناسب است حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید: گویی پستان شتر است که شیراش را دست به دست می بخشند (همان منبع، خطبه ۳، ۴۴).

منظور این است که مدیریت را نمی توان به دست هر شخصی بی مسئولیتی سپرد در جای دیگر به مالک اشتر می فرماید: اشخاص زیادی می توانند بر حسب اقتضاء نقاب شرافت، پشتکار و وفاداری بر چهره می زنند در حالی که بعداً هیچدام از این خصال ستوده را معمول نخواهند داشت پس تو باید توجه خود را بر سوابق و چگونگی خدمات اینگونه افراد در رژیم های پیشین معطوف گردانی، آنچه بیش از هر چیز دیگر در خور اهمیت است عملکرد انسان و نیکنامی است (همان منبع، ۵۳، ۵۶۴).

۲- مدیریت و اصل نقش خدمت و جهت گیری

از نظر دین مبین اسلام خدمت به مردم وظیفه عمده دولت و دستگاه های اداری است و حضرت علی (ع) در نامه های خود به کرات به مأموران خود یادآوری می کرد که مهمترین وظیفه آنان این است که از روی مهربانی به مردم خدمت کنند در نامه امام به مالک اشتر بعد از آنکه ایشان را به خدمت در راه رفاه خلق و نیکبختی روزافزون سفارش می نماید اظهار می دارد که یک مدیر زمانی از

اعتماد مردم برخوردار خواهد بود که مهربان باشد و در رفتار با آنان ادب و نزاکت را مراعات نماید.

این مالک هرگز به خود مگوی من خداوندگار و فرمانروای ایشانم و باید از روی فروتنی و حلم از من اطاعت کنند زیرا چنین تفکری ذهن ترا از مدار صحبت و توازن بیرون می‌برد و ترا خود بین و پر نخوت می‌کند ای مالک اگر به خاطر فرمانروایی خویش احساس عجب و غرور کردی به بزرگی حکومت پروردگار که برتر از توست بنگر که تو را از آن سرکش نجات می‌دهد و تندروی تو را فرو می‌نشاند و عقل و اندیشه‌ات را به جایگاه اصلی باز می‌گرداند (همان، نامه ۵۳، ۵۶۴). یکی از نکات قابل توجه در نامه امام علی (ع) به مالک اشتر دسترسی مردم به مدیران است امام در این خصوص به مالک می‌نویسد: بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند (همان، نامه ۵۳، ۵۶۴)؛ در ادامه همین نامه نسبت به مالک اشتر می‌نویسد: هیچگاه خود را از مردم پنهان مدار که پنهان بودن رهبران، نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه می‌باشد پنهان شدن از رعیت زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است. باز می‌دارد پس کار بزرگ، اندک و کار اندک بزرگ جلوه می‌کند مبادا میان خود و کسانی که بر آنان حکم می‌رانی حجاب جاه و مقام حائل کنی (همان منبع، نامه ۵۳، ۵۶۴).

۳- مدیریت و اصل تحریم استبداد

در نظام اسلامی مدیر با توجه به منزلت‌های انسانی مدیریت می‌کند و هرگاه روشها و شیوه‌های مدیریت به شخصیت و حیثیت انسان لطمه وارد کند، آن مدیریت اسلامی نیست زیرا انسان جانشین خدا در روی زمین است و قانون حفظ

منزلت انسان حاکم بر اصول مدیریت است. اسلام به هیچوجه اجازه استبداد و خودرأیی به مدیر نمی‌دهد از افراد می‌خواهد که در قلمرو قانون وظیفه‌ی خود را انجام دهند.

امام در نامه خود به اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان می‌نویسد:

«همانا پست فرمانداری برای تو وسیله‌ی آب و نان نبوده، امانتی در گردن توست، باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی، تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمائی» (همان منبع، نامه ۵، ۴۸۴).
همچنین علی (ع) در این راستا به مالک اشتر می‌نویسد: کشور باید بر اساس اصول عدالت و برابری اداره شود امام در این نامه از مالک اشتر می‌خواهد که امور اداری قلمرو حکومت خود را بر مبنای فرامین الهی و احادیث نبوی حل و فصل نماید و نباید اندیشه‌های واهی شأن و مقام را در دل پرورد و خودرأیی پیشه نماید و اگر چنین کند با خدا اعلان جنگ کرده است همچنین امام در این نامه به مالک اشتر یادآوری می‌نماید که مأمور خدمات عمومی در حین خدمت به خلق باید بدون در نظر گرفتن اختلافات آئینی و عقیدتی عمل نماید. زیرا در حالی که اسلام او را به صورت برادر دینی مسلمانان در آورده، پیوند انسانی او را به افراد غیرمسلمان مربوط کرده است (همان منبع، نامه ۵۳، ۵۶۴).

۴- مدیریت و قانون

در بینش اسلامی مدیریت تا جایی نافذ است که با احکام الهی تضاد نداشته باشد. مدیریت و وجوب عدل و احسان یکی از اصولی که در نظام اجتماعی اسلام حاکم بر کلیه مقررات و روابط اجتماعی است وجوب عدل و احساس و دوری از گمراهی است. از طرفی در اسلام ملاک فضیلت تقوی است و همه‌ی افراد در برابر قانون یکسان هستند و هیچ کس را بر دیگری برتری نیست بنابراین مدیر مسلمان باید مطابق استحقاق و شایستگی‌های افراد آنان را در پست‌های مختلف

منصوب نماید و در انتصابات تعهد و تخصص و تواناییهای افراد را در نظر داشته باشد و اجازه ندهد نفوذ خارجی در تصمیمش تأثیر بگذارد و به جای او دوستان و خویشان تصمیم‌گیری نمایند و در کارهای او مداخله نادرست کنند از این رو امام(ع) به مالک اشتر می‌فرماید: اگر چنین مردمی را پیرامون خود یافتی مهم نیست تا چه حد به تو نزدیک باشند زود خود را از دست آنان رها کن و به رسوایی پایان ده (همان منبع، نامه ۵۳، ۵۶۴).

در این خصوص حضرت درباره روش خویش می‌فرماید:

برادرم عقیل که پیرمردن ناتوان و نایبناست به سراغم آمد بلکه تواند یک صاع (معادل یک کیلوگرم) گندم بیش از حقوق مقرر خود از بیت‌المال استفاده کند. نمی‌توانم بگویم که با چه زبانی شرح فقر و تهی‌دستی خود را می‌داد و چگونه در انجام تقاضای خود تضرع و ناله می‌کرد من در پاسخ او همیشه خاموش بودم و با بی‌اعتنائی گوش می‌دادم. از سکوت من چنین نتیجه گرفت که ممکن است دینم را به دنیای او بفروشم و برای آسایش‌اش در مال دیگران خیانت کنم! تا روزی آهن پاره‌ای را در آتش سرح کرده و به انتظار عقیل آن شراره جانگداز را گرم نگاهداشتم، همین که برای آخرین بار فقر و نهی‌دستی خویش را بهانه خیانت من قرار داد آن آهن پاره آتش را به جای سکه طلا در دستش گذاشتم. چنان فریاد کرد که پنداشتم هم اکنون زندگی را به درود خواهد گفت و سراپای وجودش از گرمی مشتعل خواهد شد. مانند شتری که در قربانگاه میان خوده خود می‌غلطید، فریادهای سهمناک می‌کشید. گفتم: ای عقیل مادر به عزای تو گریه کند تو از این پاره آهن که انسان آن را به بازیچه در آتش گرم کرده چنین می‌نالی، من آتش را که از خشم خدا شعله می‌زند چگونه تحمل نمایم. آیا شایسته است که تو از درد جسم فریاد برآوری ولی من بر عذاب وجدان و آلایش روح صبر کنم.

حضرت بعد از استقرار خلفتشان می‌فرمایند (جرdaq، ۱۳۸۶، ۱۴۱):

آنان که از من گله می‌کنند و گاه و بیگاه سر در گوش همدیگر گذاشته با رویه عادلانه‌ام مخالفت می‌نمایند، به هم چشمک می‌زنند و خود را از وضعیت حاضر ناراضی جلوه می‌دهند، بدانند که تهدیدشان همواره در حکومت ما بزرگ و عزیز هستند و دولت ما با تمام امکاناتی که در دست دارد طرفدار و پشتیبان آنان است، ثروتمندانی که از اشک چشم یتیمان و خون دل پیره زنان در و گوهر تهیه کرده با کبر و ناز بر مردم تهی دست می‌نگرند، تا زمانی که از وام دیگران بر گردن آنان است از درگه ما رانده و برای همیشه در محضر ما خوار و ذلیل‌اند در ادامه امام (ع) می‌فرماید: چه تصور می‌کنید؟! من که پیش از همه کس به رسول خدا ایمان آورده و بیشتر از همه به صمیمیت و دوستی نشان داده‌ام، آرمانش را به زیر پا خواهم گذاشت؟ گمان می‌کنید که من از احکام مقدس قرآن سربلایی خواهم کرد؟! هرگز، تا آن روز که با کفن در محکمه عدل الهی گام می‌گذارم مدیون بیعت پیغمبر پاک و قرآن مجید خواهم بود. شمشیر من همیشه بر روی آنان که دست در خون و مال دیگران آلوده‌اند برآهیخته است به خدای بزرگ و مقتدر قسم می‌خورم اگر حسن و حسین دلی به ناحق بیازارند یا دیناری به ستم از دیگران برباندند با همان شمشیر که بت پرستان را از مرکب حیات سرنگون کرده‌ام نوادگان پیغمبر را هم ادب خواهم کرد (همان منبع، نامه ۴۱، ۵۶۴). دخترم رقیه از خزانه‌دار بیت‌المال گردن‌بندی مروارید به امانت گرفته بود که با ضمانت خود و گواهی خدا پس از سه روز آن رشته گوهر را سالم و بدون نقص به بیت‌المال برگرداند من در عید قربان بر این عمل ناشایست اطلاع یافتم، با دست خود گردن‌بند را از گردن دخترم گشوده، بی‌درنگ به جای خود برگرداندم و پسر رافع خزانه‌دار بیت‌المال را به سختی تهدید کردم که زنهار این شیرین‌کاریها را تکرار نکند. به خدا اگر پاس امانت در میان نبود. دستهای این دختر هاشمی را به جرم خیانت مانند دزدان و راهزنان قطع می‌کردم و پسر رافع را به نام شرکت در این جرم برای همیشه گرفتار زنجیر و زندان می‌ساختم. اکنون شما ای اشراف و بزرگان عرب، شما ای سرداران

سپاه، اگر می‌توانید با این روش پا به پای من بیایید و گروه علی را به خیانت کاران و حکام ستمگر نیازی نیست (جرداق، ۳۸۶، ۱۸۹).

۵- مدیریت و تقدس وسیله

مدیر اسلامی برای رسیدن به اهداف انسانی، نباید از وسایل غیر ارزشی استفاده نماید.

علی (ع) می‌فرماید: «پیروز نشد آن کسی که گناه بر او چیرگی یافت، و آن کس که با بدی و گناه پیروز شده شکست خورده است» (همان منبع، حکمت، ۳۲۷، ۷۰۶).

۶- مدیریت و تشویق و تنبیه

مدیران باید توجه داشته باشند که نیکوکار و بدکار پیش آنان یکسان نباشد زیرا چنین روشی نیکوکار را بی‌رغبت و بدکار را شائق می‌سازد علی (ع) به مالک اشتر می‌نویسد: «در عملیات کارکنان حکومت خود نیک بازرسی و دقت کن. آنکه با فداکاری انجام وظیفه می‌نماید باید قولاً و عملاً تشویق شود حتی کوچکترین اقدام ستوده‌اش را هم نباید نادیده انگاشت. در مقابل با بدکاران نیز لازم است مطابق مقررات برخورد گردد» (همان منبع، نامه ۵۳، ۵۶۴).

۷- مدیریت و چگونگی اجرای دستور مافوق

در مدیریت اسلامی اطاعت کورکورانه مطلوب نیست امام علی (ع) به مالک اشتر می‌فرماید: «هر دستوری که از مافوق می‌شنوی با فرمان خدا بسنج، چنانچه خداوند ترا از آن عمل نهی می‌کند زنهار فرمان خالق را در راه هوس مخلوق قربان ممکن. هرگز نکو که من مأمورم و معذور، هرگز مگو به من دستور داده‌اند و باید کورکورانه اطاعت کنم. هرگز طمع مدار که ترا کورکورانه اطاعت کنند، هرگز به پشتیبانی مقام ریاست خود را بر دیگران تحمیل مکن، اگر چنین گویی و چنان

کنی آئینه دلت تاریک می شود و روح دینداری و تقوای تو پست می گردد؛ از خدا بدور می افتد هر چند با بنده نزدیک باشی» (همان منبع، نامه ۵۳، ۵۶۴).

۸- مدیریت و اشتراک مساعی کارمندان با مدیر

مدیریت بر اشتراک مساعی و نقش دادن هر چه بیشتر کارکنان در تمام سطوح متکی است. با توجه به اینکه مدیر باید دارای شرایط رهبری در جامعه محدود خویش باشد و کارکنان نیز باید برخوردار از صفات انسانی و تعهد اسلامی باشند بدیهی است چنین مدیریتی قادر است به جای قرار دادن انسانها در خدمت علم، علم و دانش را در خدمت سازندگی انسانها قرار می دهد مدیرانی که عاشق افکار خویش هستند و با سختگیری می خواهند آن را بر کارکنان تحمل کنند هرگز مدیران موفقی نیستند.

امام علی (ع) به فرماندارانش می نویسد: «اگر شخص سختگیر و خودرأیی هستی که مردم و نظرات آنان را به هیچ می انگاری و هیچ ارزشی برای افکار مردم قایل نیستی در این صورت وقتی مردم از تو ناامید شوند و بدانند که فقط هدف و رأی خودت برایت مهم است و آنچه برایت مهم نیست مردم و قانون است در این صورت از تو درخواستی نکرده و بر رخدادها بی تفاوت می گردند» (همان منبع، نامه های ۱۹، ۲۷، ۵۳، ۴۹۸، ۵۰۸ و ۵۶۴).

۹- مدیریت و بردباری

مدیر باید بردبار و با حوصله باشد و حلم و بردباری در کار مدیریت اهمیت زیادی دارد حضرت علی (ع) می فرماید: «همواره بردبار و شکیبیا باشید و فراموش نکنید که مسلمان نابردبار بدان پیکر می ماند که بر خویشتن سر ندارد. از پیکر بی سر جنب و جوش بر نخیزد و مومن بی صبر ایمان خویش از دست بدهد و بنیاد عقیده خویش در هم می ریزد» (همان منبع، حکمت، ۸۲، ۶۴۰).

«انسان شکبیا پیروزی را از دست نمی‌دهد هر چند زمان آن طولانی شود(همان، حکمت، ۱۵۳، ۶۶۴). و در جای دیگر می‌فرماید: «کسی را که شکبایی نجات ندهد، بی‌تابی او را هلاک می‌گرداند(همان، حکمت، ۱۸۹، ۶۶۸).

ابزار مدیریت

۱. سعهی صدر: سعهی صدر به معنای داشتن ظرفیت لازم در برخورد بامسائل گوناگون، یکی از ابزارهای مهم و موثر مدیریت است؛ امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «ابزار مدیریت، شرح صدر و گشایش سینه است.»(همان، حکمت، ۱۷۶، ۶۶۶) اگر بخواهیم سعهی صدر را معنا کنیم باید بگوئیم کسی که ظرفیت لازم را در برخورد با مسائل گوناگون داشته باشد سعهی صدر دارد:

- برخورد با موقعیت و مقام خود را بنازد.

- به هنگام هجوم مشکلات در مسیر مسئولیت توان و گنجایش پذیرش سختیها و رنجها را داشته باشد.

- قدرت عصیان علیه باطل و توان تسلیم در برابر حق را دارا باشد. هر گاه این مسائل در وجود فردی متجلی گردد آن فرد دارای روح بلند، فکری گسترده، بینشی تیز و افق دیدی وسیع می‌باشد که مجموعه‌ی این خصلتها نتیجه‌ای به نام سعهی صدر دارد.

مدیری که شرح صدر نداشته باشد هرگز قادر به انجام مسئولیت نیست. زیرا مدیریت توان مخصوص می‌خواهد، توانی که بتواند کارها را در حوزه مسئولیت بر محور حق هماهنگ سازد و سنگینی‌های ناشی از مدیریت او را از پای در نیآورد. لذا امام علی (ع) می‌فرماید:

«کسی که سینه‌اش تنگ باشد توان انجام حق را ندارد» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۹۰).

۲. نیروی انسانی: مدیر بیشتر طرحها و اندیشه‌های مدیریت را از طریق همکاران انجام می‌دهد در حقیقت همه افرادی که در سازمان و تشکیلات کار می‌کنند وسیله و عاملی برای مدیر هستند در مدیریت اسلامی که ریشه اعتقاد و الهی دارد اندیشه‌ها و طرح‌های نشأت گرفته از وحی در چارچوب ضوابط مکتب و با رعایت

اصل فطرت و اصول انسانیت که دست همکاران مومن سپرده می‌شود و از آنها خواسته می‌شود تا به عنوان تکلیف شرعی در گسترش و اجرای آن بکوشند و رهبری این کاروان بر عهده خود مدیر است.

ارکان مدیریت

۱- برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی اساسی‌ترین وظیفه مدیریت می‌باشد که عناصر دیگر وظیفه‌ای مدیران را تحت تأثیر قرار می‌دهد بنابراین برنامه‌ریزی، عبارت است از تجسم و طراحی وضعیت مطلوب در آینده و یافتن راهها و وسایلی که رسیدن به آن را فراهم می‌کند (سیدجوادین، ۱۳۸۰، ۲۷۵).

قرآن و سنت دو منبع غنی و گسترده‌اند که برای برنامه‌ریزی فردی و اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی، سیاسی و اقتصادی انسان مسلمان و حتی برای پس از مرگ او برنامه‌ریزی دقیقی کرده‌اند.

۲- سازمان‌دهی

یعنی فرایندی که بر اساس آن تقسیم کار، تعیین مراتب و تنظیم روابط به منظور کسب اهداف امکان‌پذیر می‌شود (همان منبع، ص ۳۶۲).

در فرهنگ اسلامی که فرهنگ نظم و انضباط است سازماندهی جایگاه ویژه‌ای دارد تقسیم کار، تحدید وظایف، جلوگیری از تداخل امور و اختیاری و آزادی در محدوده مسئولیت، از جمله مسائلی هستند که اسلام برای سعادت انسان ضروری می‌داند.

علی (ع) خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: «ای مالک در کار کارمندان با دقت بنگر و آنان را پس از آزمایش به کار بگمار» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ۵۶۴).

۳- هماهنگی

یکی دیگر از ارکان مدیریت هماهنگی است. مدیر با یک سلسله حرکتها و برنامه‌های منظم واحدهای مختلف سازمان را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. هماهنگی و هم‌سویی در یک سازمان، از اهمیت خاصی برخوردار است و بدون هماهنگی، مجموعه، مجموعه نخواهد بود. چنان که پیامبر (ص) پس از هجرت با ایجاد اخوت و برادری بین قبایل و افراد مختلف انسجام و هماهنگی مطلوبی را به وجود آورد که عامل بسیاری از موفقیت‌های آن زمان مسلمانان بود (تقوی دامغانی، ۱۳۸۰، ۹۴).

۴- نظارت

یکی دیگر از ارکان مدیریت و از وظایف مهم مدیر نظارت است. مدیر در حیطه نظارت باید همه فعالیت‌های مجموعه را با برنامه‌ها بسنجد چنانچه آنها با اهداف و برنامه‌ها تطابق داشته باشند آن مجموعه، مجموعه موفق خواهد بود. امام علی (ع) به مالک اشتر می‌نویسد: «ای مالک از معتمدان خویش، کسی که خدا ترس و فروتن است، بر نظارت بر زندگی محرومان بر گزین تا امورشان را به تو گزارش دهد.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ۵۶۴).

۵- ارزشیابی

بررسی میزان رسیدن به اهداف با توجه به امکانات موجود را ارزشیابی گویند. اسلام اهمیت خاصی برای ارزشیابی قایل است و آن را تحت عنوان محاسبه روزانه برای هر مسلمان توصیه می‌کند. در نظام حکومتی اسلام مدیریت از آن ارزشهاست و آن کس می‌تواند در مسند مدیریت بنشیند که در علم و عمل، رفتار و گفتار به ارزشهای اسلامی و انسانی دست یافته باشد. امام علی (ع) در نامه معروف خود به مالک اشتر می‌نویسد: «ولا یكونن المحسن و المسئئ عندك بمنزله سواء» این مالک نباید نیکوکار و تبهکار در مدیریت تو یکسان باشند (ربی پور، ۱۳۸۶، ۹۵).

۶ - تصمیم‌گیری

امروزه بخش مهمی از وقت و کار مدیران صرف حل مشکل و تصمیم‌گیری می‌شود به طوری که می‌توان گفت وظایف اساسی برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل مستلزم تصمیم‌گیری است. بر اثر تصمیم، خط‌مشی‌ها، جریان امور و اقدامات آتی مشخص شده، دستورات لازم صادر می‌گردند بنابراین تصمیم‌گیری چارچوبی برای عملکرد کارکنان سازمان فراهم می‌سازد. در مدیریت اسلامی نیز توجه بسیاری به امر تصمیم‌گیری شده است تا آنجا که امام علی (ع) تصمیم فرد را برابر با میزان عقل و اندیشه او می‌داند (همان، حکمت، ۲۱۵، ۶۷۴).

نتیجه‌گیری

آنچه از نهج‌البلاغه درباره‌ی مدیریت استفاده می‌شود؛ عبارت است از اینکه مدیر اسلامی، مدیری است که مسئولیت و سرپرستی را به عنوان امانت الهی می‌پذیرد. و در جهت تحقق اهداف این رسالت از هیچ نوع کوششی فروگذار نکرده و حرکت‌دهنده‌ی جامعه، به طرف تقوی و رستگاری است. همچون کوهی استوار بوده و در مقابل مشکلات گوناگون زمان، سرخم نمی‌کند. رشید است و به شیوه‌های رشد و رهایی، آشنایی کامل دارد و دیگران را به طرف آن رهنمون می‌شود. مدیر اسلامی همچون مغزی سالم و قوی تعادل لازم را در همه‌ی ارکان و اعضای یک سازمان برقرار می‌کند. عدالت در او به وضوح دیده می‌شود. در مسایل اصولی با صلابت است و در مسایل فردی و شخصی، نرمش و تواضع دارد. سادگی و بی‌پیراگی از ویژگیهای او است. قوی و امین و دانشمند است. ترسو نیست. نیکوکار و بدکار نزد او یکسان نمی‌باشد، همکاران اداری نسبت به او خوشبین هستند. در پیروی خدا و پیامبر او نسبت به دیگران برتر و بهتر است. شکیبیا و بردبار است. دامنش به گناه آلوده نیست. دیر به خشم می‌آید و زود پوزش می‌پذیرد. با زیردستان مهربان و با ستمگران نامهربان است. با افراد شریف و خوشنام، مجالست و همنشینی می‌کند. و در عدالت و دادگری پایدار است. تعریف کردن از او، ایشان را به

خودستایی نمی‌کشاند و در دستگاه اشرار و فتنه‌انگیزان دارای منصب و مقامی نبوده است. خلاصه اینکه مدیر اسلامی الگوی تمام عیار برای کلیه الگوهای موجود مدیریت در مکاتب مختلف جهان است.

منابع:

- قرآن کریم
- امام علی (ع)، نهج البلاغه، (۱۳۷۹)، جمع آوری سید شریف رضی، ترجمه محمد دشتی، تهران
- ایران‌زاده، سلیمان، (۱۳۷۸)، مدیریت در آینده، تبریز، انتشارات گلباد، دوم
- تقوی دامغانی، سیدرضا، (۱۳۸۰)، نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، سوم
- جرداق، جرج، (۱۳۸۶)، مترجم سیدهادی خسروشاهی، امام علی صدای عدالت انسانی، قم: مؤسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، یازده
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۶۴)، اخلاق کارگزاران، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی
- ربی‌پور، محمدعلی، (۱۳۸۶)، پرتوی از نهج البلاغه، تبریز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، اول
- رضائی‌نژاد، عبدالرضا، (۱۳۷۵)، دانش امروز، دستنامه مدیران، تهران: انتشارات مؤسسه خدماتی فرهنگی رسا
- سیدجوادی‌نبی، سیدرضا، (۱۳۸۲)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: نشر نگاه دانش، اول
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۶۵)، الکافی، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴)، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء
- معادیخواه، عبدالمجید، (۱۳۷۲)، فرهنگ آفتاب، تهران: نشر ذره، چاپ اول